

نقدی بر تاریخ‌گذاری قرآن از دیدگاه برخی خاورشناسان

محمد جواد اسکندرلو

عضو هیأت علمی مؤسسه امام خمینی

طرح مسئله

«تاریخ‌گذاری» دانشی است که عهده‌دار تعیین زمان وقوع حوادث یا بیانگر تاریخ رخدادهای تاریخی می‌باشد. در این مقاله، «تاریخ‌گذاری قرآن» (Chronology of Quran) از دیدگاه خاورشناسان بررسی می‌گردد. در دانش تاریخ‌گذاری قرآن، از تاریخ نزول وحی‌های قرآنی بر حضرت محمد ﷺ بحث می‌شود و این کار، فقط در خصوص قرآن کریم امکان‌پذیر است؛ زیرا سایر کتب آسمانی نزول دفعی داشته‌اند، ولی قرآن بر اساس مقتضیات و نیازهایی نازل می‌شد که به صورت تدریجی در

دوران و محل زندگی پیامبر ﷺ پدید می‌آمد.^۱ گرچه برخی از خاورشناسان از تحقق یافتن چنین امر مهمی مأیوس گشته‌اند یا عده‌ای دیگر از آنان راه رسیدن به چنین هدفی را منحصر در تعیین نوع سبک و شکل و لحن آیات و سوره‌ها دانسته‌اند، ولی به نظر می‌رسد که به رغم دشواری چنین اقدامی، می‌توان از طریق اشارات تاریخی در آیات قرآن به سیره و سنت پیامبر و نیز با استفاده از روایات ترتیب نزول، به میزان قابل توجهی به این آرمان بلند و هدف والا دست یافت.

خاورشناسان بیشتر بر سبک و آهنگ آیات و مفاد آنها تأکید کرده‌اند و بر این اساس به طبقه‌بندی سوره‌ها در قالب سه یا چهار یا شش مرحله پرداخته‌اند و تاریخ نزول سوره‌ها را به صورت حدسی و ذوقی تعیین نموده‌اند. از آنجا که مبنای کار آنان اعمال ذوق و حدس محض بوده در موارد متعددی نتایج نادرستی را ارائه داده‌اند؛ به عنوان نمونه، برخی از سوره‌های مدنی را به خاطر کوتاهی آیتشان یا ذکر آیات اعتقادی در آنها جزء سور مکی به‌شمار آورده‌اند. این سوره‌ها عبارت‌اند از: زلزال، رحمان، انسان، نصر، تغابن، رعد، حج و بینه.^۲

سابقه تاریخی پژوهشهای خاورشناسان در این موضوع به اواسط قرن سیزدهم قمری

۱ - سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۹۴.

۲ - زنجانی، تاریخ قرآن، ص ۵۵.

برمی‌گردد. آنان در ضمن کتابهایی از قبیل تاریخ قرآن، تألیف نولدکه (در سال ۱۸۶۰م)، قرآن، ترکیب و تعلیمش، تألیف مویر (در ۱۸۷۸م)، مقدمه تاریخی - انتقادی بر قرآن، تألیف ویل (در ۱۸۷۲م) و... به بحث و بررسی چنین موضوعی پرداخته‌اند.^۱ طیف طبقه‌بندی سوره‌ها توسط خاورشناسان از سه مرحله گرفته تا شش مرحله را شامل می‌گردد. این تلاش به منظور نیل به ترتیب نزول آیات و سور قرآن انجام گرفت، به گونه‌ای که با رشد و ویژگیهای متنوع شخصیت دینی پیامبر ﷺ منسجم باشد.

در این مقاله به منظور دوری گزیدن از گسترش یافتن دامنه بحث، تنها به گزارش و نقد پژوهش خاورشناسانی پرداخته می‌شود که شیوه طبقه‌بندی چهار مرحله‌ای را برگزیده‌اند.

مسئله اصلی در این مقاله عبارت است از: «بررسی اعتبار تحقیقات خاورشناسان در زمینه تاریخ‌گذاری قرآن و اینکه آیا مقاطع تاریخی و ویژگیهای معین شده از سوی آنان برای هر طبقه می‌تواند مبنای درستی برای طبقه‌بندی سوره‌های قرآن قرار گیرد؟».

پژوهش ویل

گوستاو ویل (Gustav Well) (۱۸۰۸-۱۸۸۹م) خاورشناس آلمانی آثار متعددی از خود به یادگار گذاشت که مهم‌ترین آنها مقدمه تاریخی - انتقادی بر قرآن است. وی در این کتاب، درباره جمع قرآن و نظم تاریخی

سوره‌ها و آیات قرآن سخن گفته و تاریخ‌گذاری سوره‌ها را بر اساس سه معیار ارائه نموده است:

۱. استناد به رخدادهای تاریخی که از طریق منابع دیگر شناخته شده است؛ یعنی در قرآن به برخی از وقایع تاریخی اشاره شده، ولی شرح آنها را باید در منابع تاریخی جست و جو نمود.

۲. مضامین وحی یا محتوای آیاتی که بیانگر شرایط و وظایف گوناگون پیامبر است.

۳. سبک و سیاق ساختار وحی به لحاظ نحوه لحن و آهنگ و شیوه نثر یا سجع عبارات.

آن‌گاه سوره‌های قرآن را به چهار دسته - سه دسته مکی و یک دسته مدنی - تقسیم نموده و سوره‌های مکی را به ترتیب به این مقاطع تاریخی نسبت داده است:

از آغاز بعثت تا هجرت به حبشه (۱-۵ بعثت)، حدود سال ۶۱۵ میلادی؛

از آن زمان تا هنگام بازگشت پیامبر از طائف (۵-۱۰ بعثت)، حدود سال ۶۲۰ میلادی؛

و از آن زمان تا هجرت پیامبر ﷺ به مدینه (۱۰-۱۳ بعثت)، برابر با سپتامبر ۶۲۲ میلادی.

او برای سوره‌های هر طبقه، ویژگیهای معینی را برشمرده است:

ویژگیهای طبقه نخست

یک. اغلب سوره‌ها با برخی از سوگندها آغاز شده‌اند.

۱ - نکونام، درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن، ص ۱۳-۱۲.

دو. بیشتر آیات، کوتاه و خیال‌انگیزند.

سه. آیات آن موزون و دارای سجع هستند.

چهار. زبان این سوره‌ها مملوّ از تصویرها و

تمثیلهای شاعرانه و جاذبه شعری است.

می‌باشند.

سه. بیانگر قدرت و فرمانروایی سیاسی و

اجتماعی پیامبر ﷺ هستند^۱.

نقد و بررسی

از معیارهای سه‌گانه‌ای که برای تاریخ‌گذاری سوره‌ها ذکر گردید دو معیار سبک و مضامین سوره‌ها از آنجا که توانایی تعیین تاریخ نزول سوره‌ها را به صورت دقیق و روشن ندارند، طبقه‌بندیهای مبتنی بر آنها صرفاً ذوقی و سلیقه‌ای بوده و از حیث اتقان و اعتماد خارج‌اند؛ اما معیار نخست - استفاده از اشارات و تصریحات قرآن به رخداد‌های زمانمند زندگی پیامبر ﷺ - می‌تواند در کنار روایات صحیح، سودمند و راهگشا باشد.

بیشتر ویژگیهای مذکور سوره‌ها نیز مخدوش بوده، نمی‌توانند به عنوان وسیلهٔ سنجش و تفکیک سوره‌ها به‌شمار آیند. به نظر «ویل» در سوره‌های نخستین، سجع بیشتری به کار رفته است. اولاً از او هیچ دلیلی در اختیار نیست که به چه جهت آن سوره‌ها را دارای سجع بیشتر دانسته‌است. اگر دلیل او روایات ترتیب نزول است، این روایات، رشد سجع سوره‌ها را بر اثر پیشرفت رسالت پیامبر ﷺ به گونه اجمالی و جزئی نشان می‌دهد، نه به صورت کلی. به علاوه، اگر وی آن روایات را مبنای تاریخ‌گذاری قرار داده

ویژگیهای طبقه دوم

یک. سوره‌ها بلندتر و به نثر نزدیک‌ترند.

دو. ویژگی خیال‌انگیزی و جاذبه شعری

هنوز در آنها دیده می‌شود.

سه. در آنها از صفات الهی همچون رحمت

او، و نشانه‌های خدا در طبیعت سخن گفته شده است.

چهار. اوصاف بهشت و دوزخ و نیز

چگونگی عقاب و عذاب مورد بحث قرار گرفته است.

ویژگیهای طبقه سوم

یک. سوره‌ها بلندتر و از سوره‌های طبقه

دوم، به نثر نزدیک‌ترند.

دو. به گونه خطابی و موعظه‌ای نازل شده و

جنبه خیال‌انگیزی ندارند.

سه. در آنها اخبار پیامبران و کیفرهای اخروی

با جزئیات بیشتری بازگو شده است.

ویژگیهای طبقه چهارم

یک. سیر حوادث را پس از هجرت بیان

می‌کنند.

دو. آیات و سوره‌ها بلندتر از گذشته

1- W. Montgomery Watt, P. 416-418.

است، از چه رو در آن دخل و تصرف کرده و خود ترتیب دیگری را فراهم آورده است؟! در هر صورت، کاربرد سجع هیچ اختصاصی به سوره‌های مکی یا اوائل دوران مکه نداشته، بلکه در سراسر قرآن در مواردی به حسب اقتضای خاص خود به کار رفته است.

ملاک کوتاهی یا بلندی آیات و سوره‌ها نیز امری ذوقی و تخیلی است و نمی‌توان بر پایه آن میان مراحل دوران وحی مکی و وحی مدنی تفکیک قائل شد. اساساً کوتاهی و بلندی آیات امری توقیفی بوده نه اجتهادی و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را بر حسب مقتضای حال مخاطبان از سوی خداوند بیان فرموده و در آنها شیوه‌ها و اسلوبهای کلام عرب در هر دو محیط مکه و مدینه رعایت شده است^۱ و هرگز عقل و خرد یا شیوه عقلانی و ادبی دانشمندان نمی‌پذیرد که خداوند متعال لزوماً سوره‌های کوتاه را در اوائل وحی نازل کند، آن‌گاه به تدریج به فرستادن آیات و سوره‌های بلندتر بپردازد؛ چرا که نقش موضوع و محتوای آنها بسیار مهم‌تر از نوع و تعداد کلمات و عبارات است.

پژوهش نولدکه

تئودر نولدکه (۱۸۳۶-۱۹۳۰م) (Theodor Noldeke) خاورشناس آلمانی جایگاه بلند و شهرت عظیمی را در میان خاورشناسان جهان به دست آورده است^۲. او مدرک دکترای خود را در سال ۱۸۵۶م با دفاع از رساله‌ای با عنوان «تاریخ

قرآن» به دست آورد که این کتاب از مشهورترین آثار وی می‌باشد^۳. البته این کتاب به آلمانی نوشته شده و تاکنون به زبان دیگری ترجمه و منتشر نشده است.

نولدکه در کتاب مآخذ و ریشه‌های قرآن (The Origins of the Koran) - که به زبان انگلیسی نوشته شده - مقاله‌ای با عنوان «قرآن» (The Koran) دارد که از مقایسه مطالب آن با آنچه دیگر خاورشناسان از آرای او نقل کرده‌اند، چنین به نظر می‌رسد که چکیده نظراتش را در کتاب آلمانی تاریخ قرآن، در این مقاله انگلیسی منعکس نموده است. از این رو مناسب است ابتدا با مهم‌ترین نظریات او در زمینه تاریخ‌گذاری قرآن آشنا شویم، آن‌گاه به نقد و بررسی پاره‌ای از ایده‌هایش بپردازیم.

نولدکه همچون «ویل» سوره‌های قرآن را بر پایه سه معیاری که در پژوهش پیشین ذکر شد، به چهار طبقه - سه طبقه مکی و یک طبقه مدنی - تقسیم نموده است. او بحث خود را در تقسیم‌بندی وحی‌های نازل شده بر پیامبر صلی الله علیه و آله این‌گونه آغاز می‌کند:

«اجزای سازنده قرآن کنونی، بخشی به دوران مکه - قبل از سال ۶۲۲ میلادی - و بخشی هم به

۱ - زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۰۹.
۲ - بدوی، فرهنگ کامل خاورشناسان، ترجمه خاکزند، ص ۴۱۹.
۳ - همان، ص ۴۲۰.

دورانی مربوط می‌شود که آغاز هجرت پیامبر ﷺ به مدینه بوده است (از پاییز سال ۶۲۲ تا هشتم ژوئن ۶۳۲). موقعیت پیامبر در مدینه کاملاً با شرایط و موقعیت او در مکه متفاوت بوده است؛ زیرا او در مدینه از ابتدا رهبر گروه نیرومندی بود و به تدریج حاکم مقتدر حجاز گردید، در حالی که در مکه صرفاً یک مبلغ و موعظه‌گری ساده برای جماعتی اندک بود. وحی‌های مدنی، اعم از سوره‌های کامل یا فراهای محدود که جزء سوره‌های مکی گنجانده شدند، به لحاظ مفاد و محتوا کاملاً متغایر با وحی‌های نازل شده در مکه هستند. از آنجا که وحی‌های مدنی مربوط به وقایعی می‌شوند که ما امروزه اطلاعات نسبتاً دقیقی درباره آنها داریم و تاریخشان دست کم به گونه تقریبی روشن می‌باشد، از این رو می‌توان تاریخ نزول آنها را تا اندازه قابل توجهی با اطمینان تعیین نمود و در این رابطه، روایات نیز کمک شایانی می‌کنند. البته پاره‌ای از وحی‌های مدنی، نامشخص هستند. یکی به دلیل اینکه اشارات مربوط به رخدادهای و ویژگیهای تاریخ آنها مبهم است و دیگر اینکه روایات مربوط به اسباب نزول آنها اغلب با یکدیگر ناسازگارند و نوعاً مبتنی بر برداشتهای غلط یا حدس و گمانهایی محض هستند. با وجود همه این دشواریها، تاریخ‌گذاری سوره‌های مدنی به مراتب آسان‌تر از تعیین تاریخ سوره‌های مکی می‌باشد. در میان وحی‌های نازل شده در مکه، سوره‌های کوچکی را می‌بینیم که بر

اساس قضاوت هر خواننده کنجکاو آنها باید آخرین واحدهای نزول باشند و سبک و آهنگشان کاملاً با سوره‌های مکی متفاوت است. در نقطه مقابل آن، برخی از سوره‌های مطرح شده در دوران مدینه را ملاحظه می‌کنیم که نسبت به دیگر سوره‌های مدنی کمترین پیوند و شباهت را دارند و بنابراین باید تاریخ نزولشان به اواخر دوران مکه برگردد».

نولدکه در نقد تفکیکی که گوستاو ویل در مورد سوره‌های مکی انجام داده می‌نویسد:

«در میان این دو دسته، واحدهایی از نزول وحی وجود دارد که به نظر می‌رسد از مرحله اول به مرحله سوم از دوران وحی انتقال یافته‌اند. لذا به سختی می‌توان پذیرفت که تفکیک سوره‌های مکی آن‌گونه که گوستاو ویل انجام داده است بر مبنای دقیقی صورت پذیرفته باشد. بنابراین تعیین دقیق تاریخ نزول بسیاری از آنها ناممکن است.

از آنجا که قرائن و شواهد روشنی برای حوادث وجود ندارد، ما ناگزیریم که از طریق خود قرآن، رشد و پیشرفت روان‌شناختی شخصیت پیامبر ﷺ را پی‌گیری و جست و جو نماییم و بر همین اساس به تاریخ‌گذاری سوره‌ها بپردازیم. البته در این رهگذر نیز همواره با فرضیاتی ذهنی و یا حدس و گمان مواجه هستیم، ولی باید بدانیم که روایات معتبر در زمینه وحی‌های نازل شده در دوران مکه بسیار اندک‌اند و در واقع می‌توان گفت که تاریخ مربوط

به دوران پیش از هجرت پیامبر از مکه به مدینه آنچنان تاریک و مبهم است که ما حتی نسبت به سالی که پیامبر به نبوت رسید اطمینانی نداریم. احتمال دارد در سال ۶۱۰ میلادی بوده، ممکن است اندکی زودتر از آن تاریخ بوده و شاید هم قدری دیرتر از آن سال واقع شده است. در هر صورت، بهتر آن است که به تاریخ‌گذاری نسبی و تقریبی وحی‌های دوران مکه در سه طبقه‌بندی عمده و مجزا بپردازیم».

وی در ادامه پیامون و ویژگی سوره‌ها در مرحله نخست از دوران مکه این‌چنین دیدگاه خود را مطرح می‌کند:

ویژگیهای سوره‌ها در مرحله

نخست از دوران مکه

«در سوره‌های مربوط به مرحله اول از وحی دوران مکی، هیجان پیامبر، اغلب خود را با شدت و حرارت فراوان نشان می‌دهد. این هیجان و احساس به قدری شدید بوده که او نمی‌توانسته سخنان خود را با انتخاب مطرح کند، بلکه آن سخنان به صورت ناگهانی از زبان او لبریز و صادر می‌شده‌اند.

بسیاری از این گونه فرازهای وحی، یادآور غیغوییها و پیشگوییهای کاهنان ملحدی است که سبک آنها برای ما معلوم است؛ هر چند که احتمالاً نمونه کاملاً معتبری در دست نداریم. سوره‌های این مقطع از وحی، نظیر آن غیب‌گوییهای کاهنان، هرگز طولانی نبوده، بلکه

مرکب از جملاتی کوتاه هستند، ولی سجع‌ها به سرعت تغییر می‌یابند.

نعمتهای بهشت و رنج و عذابه‌های دوزخ به گونه پرشور و هیجان‌انگیزی مطرح شده‌اند. البته تمام سوره‌های این دوره دارای چنین شدت نبوده، بلکه آخرین سوره‌های آن به گونه آرام‌تری بیان شده‌اند. با این همه باید اذعان نمود که تعیین نزول دقیق آنها فوق‌العاده دشوار است؛ به عنوان مثال از هیچ طریقی نمی‌توان اطمینان حاصل نمود که آیا آغاز سوره «علق» قدیم‌ترین قسمت وحی قرآنی باشد. روایتی که می‌گوید سوره علق نخستین سوره نازل شده است به عایشه همسر مورد علاقه پیامبر برمی‌گردد، در حالی که او هنگام نزول وحی هنوز به دنیا نیامده بود. علاوه بر اینکه عایشه به هیچ وجه از وثاقت و اعتبار کافی برخوردار نیست و دلیل دیگر اینکه سوره‌های دیگری وجود دارد که توسط دیگران به عنوان نخستین واحدهای نزول معرفی شده‌اند. در هر صورت بر اساس دیدگاه روایی آیات نخستین سوره علق، در اوایل دوران وحی نازل شده‌اند.

لحن سوره‌های مکی درست از هنگامی شدت یافت که پیامبر با مقاومت سرسختانه دشمنانش روبرو گردید. در چنین شرایطی او دیگر نمی‌توانست با کسانی که تبلیغ و ترویج پیامبر را در موضوعات مربوط به مبدأ و معاد به استهزا می‌گرفتند به نرمی سخن گوید. و از آنجا که عموی پیامبر - ابو لهب - به شدت او را از

خود رانده بود، لذا در قالب یک سوره کوتاه - سوره تبت - او و همسرش محکوم به آتش دوزخ شدند.

سوره‌های این مقطع از دوران وحی مکی بخش مهمی از قسمتهای قرآن را تشکیل می‌دهند.

نولدکه ویژگیهای سوره‌های دوره میانی مکه را به گونه‌ای متفاوت ارزیابی می‌کند:

«در این دوره، شیوه تحیل به گونه محسوسی کاهش می‌یابد؛ هر چند که هنوز دارای حرارت و هیجان هستند. لحن و آهنگ آنها به تدریج به نثر نزدیک‌تر می‌شود. اضطراب و نگرانی فروکش می‌کند. آیات طولانی‌تر می‌شوند. محلّ سوگندها در عناوین ابتدایی آیات، انتخاب شده‌اند. کاربرد مکرر «قل» - که به منظور اعلام پیام خاص قرآنی است که محمد ﷺ مأمور به ابلاغ آن می‌گردد - در این سوره‌ها به چشم می‌خورد. نام «الرّحمن» که یکی از اسامی خداوند است و از دوران پیش از اسلام در قسمت جنوبی و مرکزی حجاز به کار می‌رفته، در این سوره‌ها فراوان به کار رفته است. در این دسته از سوره‌ها که تعدادشان بیست و یک سوره است، روی هم رفته، زیبایی و جذابیت سبک آیات وحی از بین می‌رود. یک سوره از قرآن به نام فاتحه به آغاز همین مرحله مربوط می‌شود. این سوره بیانگر دعا و نماز مسلمانان است و نیز جوهره قرآن را تشکیل می‌دهد. چند واژه آن مستقیماً از یهود اقتباس شده است؛ مانند معرفی

خدا به عنوان «رحمن» که همان «رحمانا»ی یهود است و نام معروف خدا در دوران تلمودی بوده است. به نظر می‌رسد که محمد ﷺ واژه «رحمن» را به عنوان اسم خاص پروردگار به جای «الله» که قبلاً توسط مشرکان به کار می‌رفت، برگزیده است. لذا در سوره‌های این مرحله از وحی به طور فراوان با کاربرد «رحمن» روبه‌رو می‌شویم.

در مورد ویژگیهای سوره‌ها در مرحله پایانی وحی مکی نیز چنین تحلیل می‌کند:

«سوره‌ها در این مرحله تقریباً به طور کامل منثور هستند که البته نمونه‌های مسجعی را نشان می‌دهند که رفته رفته به حالت کلیشه‌ای درآمده، نوعاً به «ون» و «ین» ختم می‌شوند.

سخنان توصیفی و تخیلی کمرنگ شده و آیات وحی، شکل خطابی به خود می‌گیرند. قصص انبیاء، افکار و ایده‌های پیشین را تکرار می‌کند. برخی از سوره‌ها حجم زیادی دارند. گاهی بارقه‌ای از نیروی شعری نمایان می‌شود. این دسته از سوره‌ها که تعدادشان باز بیست و یک سوره است، می‌تواند به عنوان نمایی از خشم یا رنجش پیامبر در برابر برخی از هم‌قبیله‌های مکی نسبت به پیام او به‌شمار آید. این سوره‌ها برای کسی که با مفادشان پیشاپیش آشنا باشد، آموزنده و اصلاحگر است، ولی ابتدا به نظر می‌رسد که دست کم برای اذهان کافران در ایجاد اعتقادی راسخ چندان مناسب نباشد. در حالی که چنین تصویری درست نیست؛ چرا که در

واقع بیانات و مطالب این سوره‌های طولانی مکی ظاهراً تأثیر و نقش فوق‌العاده‌ای در تبلیغ اسلام داشته است».

و بالاخره درباره ساختار شکلی و محتوایی سوره‌ها در دوران وحی مدنی معتقد است:

«سبک سوره‌های مدنی شباهت نسبتاً نزدیکی به سوره‌های آخرین مرحله از دوران مکه دارد. در بیشتر نثرهای آن، جلوه‌ها و زیباییهای فصیح فراوانی به چشم می‌خورد. این سوره‌ها که تعدادشان بیست و چهار سوره است و به ترتیب زمانمند خاصی یکی پس از دیگری قرار گرفته‌اند بیانگر قدرت فزاینده سیاسی پیامبر و تشکیل چارچوب اجتماعی امت اسلامی او هستند. در دیدگاه مسلمانان، محمد ﷺ رسالت و مسئولیتهای گوناگونی دارد. در یک زمان او فقط برای مؤمنان وعظ و سخنرانی می‌کرد. در برهه‌ای دیگر در برابر شکستها یا پیروزیهای به‌دست آمده واکنش مناسب نشان می‌داد یا به سرزنش و توبیخ نسبت به ضعف ایمان برخی افراد می‌پرداخت و یا مردم را به خوبیها و فضائل اخلاقی دعوت می‌کرد. او حتی از ارشاد و نصیحت به منافقان دریغ نمی‌ورزید. البته با یهودیان که تعدادشان در مدینه زیاد بود، در موارد متعددی سخت‌گیری می‌کرد، ولی کمتر سخنی علیه مسیحیان می‌گفت؛ اما بت‌پرستان در مدینه بسیار کم بودند، لذا سخن چندانی درباره آنها بیان نمی‌کرد. در هر حال پیامبر به عنوان رهبری شناخته شده و رسمی در دین و امور

اجتماعی جامعه مدینه مطرح می‌شود. آیات قرآنی او در ارتباط با تشریح احکام کیفری، امور داخلی، همچون قوانین ازدواج و طلاق و ارث، مقررات راجع به آداب و مراسم گوناگون، امور شخصی، رهنمودهایی درباره مشکلات مقطعی بود و نیز آیاتی درباره دعوت به جهاد در راه خدا نازل گردید. دسته مهمی از آیات مدنی اشاره دارد به قطع رابطه پیامبر با قبایل یهود و سپس مطرح ساختن شخصیت ابراهیم به عنوان بنیانگذار خانه کعبه و نخستین اسوه مسلمانان حنیف که بیانگر دین خالص الهی است»^۱.

نقد و بررسی

نولدکه معتقد بوده است که ترتیب زمانی آیات و سوره‌های قرآن را بر خلاف شیوه اسلامی آن باید تنظیم نمود. همان‌گونه که ملاحظه شد، او برای خودش روش نوینی برگزید که بسیاری از خاورشناسان تحت تأثیر او قرار گرفتند و از او پیروی کردند؛ هر چند که همگی به نتایج مشترکی دست نیافتند. این نوع تاریخ‌گذاری قرآن، اندک اندک اذهان همه خاورشناسان را به خود مشغول ساخت و سهمگین‌ترین اشتباهات را پدید آورد.

این پیشفرض که تغییر وحی‌ها مبتنی بر تغییر روان‌شناختی شخصیت پیامبر اسلام ﷺ بوده است، پایه و اساس قابل دفاعی ندارد؛ زیرا

1- Noldeke, p. 43-58.

اولاً چنین نبوده که تجربه و حیانی پیامبر بر اثر تکرار و استمرار وحی‌ها طویل‌المدت‌تر شده باشد تا بتوان رشد طول سوره‌ها را از همین رهگذر ادعا و اثبات نمود. ثانیاً خداوند حکیم بر اساس مقتضیات و نیازها و مسائل اجتماعی، کوتاهی و بلندی سوره‌ها را تعیین نموده است، نه آنکه وحی تابع حالات عرفانی شخص پیامبر ﷺ بوده باشد؛ چرا که آن حضرت صرفاً دریافت‌کننده و ابلاغ‌کننده وحی بوده است. لذا هیچ‌گونه حقّ تصرف و ایجاد تغییر در کمّ و کیف وحی نداشته است.

بنابراین نمی‌توان ادعا نمود که طول وحی لزوماً سانیمتری افزایش می‌یافته و هر واحد نزول حداقل یک سانیمتر نسبت به وحی پیش از خود طولانی‌تر بوده است. البته این سخن صادق است که تطویل سوره‌ها فی الجمله افزایش می‌یافته، نه آنکه افزایش آنها به صورت وحدت رویه ثابتی درآمده باشد. لذا گاهی سوره‌ای کوتاه پس از سوره‌ای بلند نازل شده است؛ مثلاً سوره اعراف که سی و نهمین واحد نزول بوده، شامل ۲۰۶ آیه است، در حالی که چهلمین واحد نزول؛ یعنی سوره جنّ تنها ۲۸ آیه دارد و بسیار کوتاه‌تر از سوره پیش از خود می‌باشد.

نولده که تاریخ مربوط به دوران پیش از هجرت پیامبر از مکه به مدینه از جمله سال نبوت پیامبر ﷺ را مبهم و نامشخص خوانده است. در پاسخ او می‌گوییم: در مورد اینکه بعثت

پیامبر ﷺ در بیست و هفتم ماه رجب، سیزده سال پیش از هجرت (برابر با ۶۰۹ میلادی) صورت پذیرفته، روایات بسیار زیادی وارد شده است و در آنها عبادات ویژه‌ای سفارش گردیده؛ زیرا آن روز را پیوسته باب فتح برکات دانسته‌اند.^۱

نولده که سخنان قرآن را در سوره‌های مرحله نخست مکه در سجع گونگی و کوتاهی و همراهی با سوگند به کهنات کاهنان ملحد و غیب‌گویان پیش از نزول قرآن تشبیه نموده است. گر چه به لحاظ سبک بین این دو نوع سخن تشابه وجود دارد، ولی نباید تفاوت‌های قرآن با کهنات را نادیده انگاشت؛ چرا که در کهنات، تکلف و گنگی و اباطیل به کار می‌رفت، در حالی که در قرآن مجید هیچ یک از این نقصها وجود ندارد؛ چنان که ولید بن مغیره که از ناموران بلندپایه عرب به‌شمار می‌رفت، پس از شنیدن سخنان قرآن چنین اذعان نمود:

«یا عجیباً لما یقول ابن اُبی کبشه فوالله ما هو بشعر ولا بسحر ولا بهذی جنونٍ وانّ قوله لمن کلام الله»^۲.

آنچه فرزند ابی کبشه می‌سراید، به خدا سوگند نه شعر است و نه سحر است و نه گزافه‌گویی بی‌خردان، بی‌گمان گفته او سخن

۱ - کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۴۹؛ معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۰۶.

۲ - معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، ص ۱۹۱.

خداست.

بنابراین تشابه بین آیات قرآن و سخنان کاهنان به لحاظ وجود سجع و کوتاهی سخن، دلیل بر همسانی آن دو نیست.

نولده که در مورد سورهٔ علق می‌گوید این سوره نمی‌تواند نخستین سورهٔ نازل باشد؛ زیرا روایتی که می‌گوید «علق» نخستین سوره نازل بوده فقط از طریق عایشه نقل شده است. پاسخ آن است که اولاً در منابع اهل سنت این روایت را از طریق غیر عایشه نیز نقل کرده‌اند؛ به عنوان مثال، طبرانی در المعجم الکبیر، به سند صحیح از ابی رجاء عطاردی نقل می‌کند:

«ابو موسی اشعری برای ما محفل قرآن تشکیل می‌داد و اقراء می‌نمود. موقعی که به تلاوت سورهٔ علق رسید، چنین گفت: «این نخستین سوره‌ای است که بر محمد ﷺ نازل شده است» و نظیر این معنی را ابن اشته در کتاب المصاحف از قول عبید بن عمیر روایت کرده است»^۱.

ثانیاً در منابع شیعی نیز روایاتی وارد شده که به نزول سورهٔ علق به عنوان نخستین سوره تصریح نموده‌اند.^۲

این پیشفرض که رفتار پیامبر ﷺ با قومش به تدریج سرسختانه‌تر می‌شد، محل تأمل و اشکال است. به چه دلیل رفتار آن حضرت باید به مرور زمان خشن‌تر شده و مثلاً فراز و نشیب نداشته باشد؟ تردیدی نیست که قرآن کریم برترین سخن بلیغ است که با مقتضای حال

مخاطبان و شرایط زمان و مکان سازگار می‌باشد و باز بدیهی است که پیامبر اکرم ﷺ در طول دوران رسالت خویش با افراد گوناگونی از جهت نوع برخورد و روحیه و ایمان متفاوت روبه‌رو بوده است. بنابراین به طور مسلم نوع سخن گفتن آن حضرت با مخاطبان متعدّد، فراز و نشیب و نوساناتی بر حسب مقتضای حال داشته است. ثانیاً اگر این پیشفرض را - که رفتار پیامبر ﷺ با قومش به تدریج سرسختانه‌تر می‌شد - نولدکه خود پذیرفته است، چرا سورهٔ تبت را سومین سوره نازل شده دانسته و حال آنکه به جهت خشونت‌آمیزی سوره باید تربیتی متأخرتر داشته باشد! بنابراین آشکار می‌گردد که بسیاری از سخنان نولدکه - همان‌گونه که خود تصریح نموده - حدس و گمانهایی بیش نیست و مبنای علمی ندارد.

از بارزترین شبهات نولدکه این است که در مورد قرآن احتمال وقوع تحریف داده است. او در پایان ویژگیهای سوره‌های مرحله نخست وحی آورده بود که «احتمال می‌رود بسیاری از سوره‌ها در همان اوان دوران وحی از دست رفته باشند». این احتمال دقیقاً مستلزم وقوع تحریف در قرآن کریم است که ادعایی نادرست و مردود می‌باشد. قول حق آن است که مجموع وحی قرآنی بدون کم و کاست مدون شده است و ادله

۱ - سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۷۷.

۲ - کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۲۹-۶۲۸.

قرآنی و روایی و تاریخی و عقلی بر بطلان قول تحریف بیان شده است.^۱

این پیشفرض نیز که سوره‌های قرآن به تدریج ویژگی تمثیلی و تخیلی‌اش کاهش می‌یابد، در خور نقد است. به چه دلیل حالت استعاری و تمثیلی قرآن، فراز و نشیب متوالی نداشته باشد و همواره از فراز به نشیب جریان یافته باشد؟ مراد از شیوه تخیل، به کارگیری انواع مجاز در سخن است و می‌دانیم که استعاره بهترین نوع مجاز است و ابن رشیق هم گفته است که استعاره از محاسن کلام به‌شمار می‌آید، مشروط بر اینکه در محل و موضع مناسب خود به کار رود.

به هر حال هیچ دلیلی وجود ندارد که حالت استعاری و تمثیلی قرآن همواره از فراز به نشیب باشد و به تدریج کاهش یافته باشد، بلکه قرآن کریم طبق مقتضای حال نازل شده است.

نولده که کاربرد سوگند در عناوین و آیات نخستین سوره‌ها را نشانه تعلق آن سوره‌ها به دوران میانی وحی مکی دانسته است و حال آنکه در نخستین آیه از سوره‌های دیگری مربوط به دوران نخستین وحی مکی نیز سوگند مشاهده می‌شود: «والذاریات ذرواً»، «الطور»، «والنجم اذا هوی»، «ن و القلم و ما یسطرون»، «لا أقسم بیوم القيامة»، «والمرسلات عرفاً»، «والنازعات غرقاً»، «والسّماء ذات البروج»، «والسّماء و الطارق»، «والفجر»، «لا أقسم بهذا البلد»، «والشمس و ضحیها»، «واللیل اذا یغشی»، «والضحی»، «و التین و الزیتون»، «والعادیات

ضحیاً»، «و العصر».

نولده که همه این سوره‌ها را که با سوگند آغاز شده‌اند خود جزء سوره‌های دوران نخست مکه یاد کرده است و جالب اینجاست که تعداد این سوره‌ها بیشتر از سوره‌هایی است که جزء دوران میانی مکه برشمرده و با سوگند آغاز شده‌اند.

از دیگر اشتباهات مهم وی این است که نزول سوره فاتحه را مربوط به مرحله میانی از وحی مکی دانسته و آن را چهل و هشتمین سوره نازل شده معرفی کرده است، در حالی که می‌دانیم سوره فاتحه جزء لاینفک و از شرایط صحّت نماز می‌باشد، چنان که در روایات آمده است: «لا صلاة الا بفاتحة الكتاب»^۲.

از سوی دیگر مسلم است که نماز نخستین حکم شرعی بوده که در صدر اسلام واجب گردیده است و پیامبر و پیروانش مقید به اقامه آن بوده‌اند. از این رو امکان ندارد آن‌گونه که نولده تاریخ‌گذاری کرده، «فاتحه» سوره چهل و هشتم از واحدهای نزول وحی باشد. بنابراین قول حق آن است که این سوره پنجمین سوره‌ای است که در اوایل وحی مکی؛ یعنی در همان آغاز بعثت بر پیامبر ﷺ نازل شده است.^۳

۱ - طبرسی، مجمع البیان لعلوم القرآن، ج ۹، ص ۲۱۸؛ معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ص ۸۰-۷۹.

۲ - حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۷۳۲.

۳ - معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۳۵ و ۱۷۰.

پژوهش بلاشر

رژی بلاشر (۱۹۰۰-۱۹۷۳م) از خاورشناسان فرانسوی است که در شیوه پژوهش از نولدکه بهره جسته و تحت تأثیر او قرار گرفته است. مهم‌ترین اثر او مقدمه‌ای بر ترجمه قرآن است که به وسیله دکتر محمود رامیار به زبان فارسی برگردانده شده و با نام در آستانه قرآن انتشار یافته است. در ترجمه بلاشر، سوره‌ها به ترتیب تاریخی قرار گرفته و تنها در چند نکته با ترتیب و طرح نولدکه تفاوت دارد و پیشنهاد او را درباره سه دوره مکی کاملاً می‌پذیرد، در ادامه می‌گوید با توجه به اینکه نه سیره پیامبر ﷺ چنان که محققان مسلمان تصویر کرده‌اند و نه آن طرحی که مورخان غربی ترسیم نموده‌اند، هیچ کدام برای تقسیم‌بندی سوره‌ها از نظر ترتیب نزول زمانی آیات الهی، پایه‌ای مطمئن بنیان نمی‌نهند؛ از این رو، طبیعی است که پژوهش باید به شیوه‌ای دیگر و بر اساس اصول دیگر تداوم یابد. فرضیه اول ما این است که قرآن باید نقطه مشترک این طبقه‌بندی باشد. پیشفرض دیگر ما باز یافتن نشانه‌ها و شاخصه‌هایی در قرآن است که به بررسی تجربه دینی محمد ﷺ درباره تحول و مظاهر تبلیغ آن و درباره عبور از یک مرحله تبلیغ صلح‌آمیز به یک فعالیت گسترده به عنوان رهبر جامعه می‌پردازند. البته باید اذعان نمود که این شیوه پژوهش نیز خالی از تخیل نخواهد بود؛ زیرا همان‌گونه که نمی‌توانیم اعتماد کامل به روایات داشته باشیم، با تکیه بر

فرضیات هم نمی‌توان تمام مراحل تبلیغ پیامبر ﷺ را مشخص نمود^۱.

ویژگیهای سوره‌های نخستین مرحله وحی در مکه

آغاز وحی مکی با شروع عبادت و شب‌زنده‌داری و دعا مقارن بوده است؛ زیرا مسلمانان نخستین به گردآوری پنج سوره که مشتمل بر عبادت و ادعیه باشد احساس نیاز می‌کرده‌اند.

آیات این مرحله وحی از نظر سبک عموماً مرکب از شش تا ده هجا می‌باشد. پایان آیه‌ها بر آهنگی که از غنای بسیار و زیبایی بی‌اندازه بهره‌مند است، تکیه دارد و غالباً دو یا سه آیه با سجع و برگردان پایان می‌یابد؛ مانند سوره «مرسلات». در بسیاری از سوره‌ها که رازهای الهی درباره جهان با خواننده در میان گذاشته می‌شود نظیر ستارگان، کوههای مقدس و سایر مظاهر هستی، اصولاً سوره با آن مفاهیم آغاز می‌گردد.

ویژگیهای سوره مکی در مرحله میانی وحی

در دومین مرحله وحی مکی، بیست و دو سوره نازل شده که آغاز آن، سوره کهف و پایان آن، سوره نجم است. این سوره‌ها مفصل و دارای مطالب متنوع‌اند. فاصله اصول عقاید جامعه

۱ - بلاشر، در آستانه قرآن، ترجمه رامیار، ص ۲۷۷.

نوبنیادی که بر پایه تعالیم قرآن در مکه تأسیس شده بود با گروه‌های مخالف، کاملاً محسوس بود. بانگش به آیات «۸۱، ۸۲، ۹۰ و ۹۲» سوره مؤمنون، به این فاصله فکری کاملاً می‌توان پی برد. اعتقاد به یگانگی خدا و ابدیت او مکرر خاطر نشان شده است. پیامبر برای آنکه از گفت و گوی خود نتیجه بهتر بگیرد به ذکر داستان‌هایی می‌پردازد که در میان قوم عرب شناخته شده بوده است. در این مرحله از وحی، به لحاظ سبک نگارش، سوره‌ها آیات طولانی‌تری دارند و از نظر هنجار کلی، دارای جاذبه‌ای هستند که آیات مرحله نخستین فاقد آن بود. نیروی تخیل در مرحله میانی سور مکی، کمتر به چشم می‌خورد و واقع‌گرایی بیشتر است. موضوع آیات، بیشتر ناظر به سرکوبی دشمنان اسلام است.

ویژگیهای مرحله سوم سوره‌های مکی

بیست و دو سوره نیز به مرحله سوم اختصاص یافته، این مرحله در واقع مکمل مرحله دوم است. لحن گفت و گوی آیات، آهنگی اندرزگونه دارد. در این دوره، واژه خطابی «ایها الناس» به جای واژه‌های دیگر در آغاز آیه‌ها به کار برده شده است، زیرا مخاطب قرآن، دیگر مردم مکه نبودند و علاوه بر مردم مدینه بسیاری از قبایل اطراف نیز مورد خطاب محمد ﷺ قرار گرفتند. در این دوره چند بار به نکته‌ای اشاره شده که حائز کمال اهمیت است و آن اشاره قرآن به ناکامیها و شکستهای پیامبران پیشین است. قرآن

در این مورد ترتیب تاریخی را رعایت کرده و مأموریت همگی پیامبران را هدایت مردم دانسته است. می‌توان این‌گونه مطالب را گام اساسی در پیامبرشناسی اسلام به‌شمار آورد.

مسئله قیامت و زندگی پس از مرگ بیش از هر موضوع دیگری، در سومین مرحله وحی مورد گفت و گوی قرآن قرار گرفته است.

ویژگیهای سوره‌ها در دوران وحی مدنی

آیاتی که در مدت ده سال رسالت پیامبر در مدینه نازل گردیده، محتوای بیست و چهار سوره کوتاه و بلند را تشکیل داد. گسیختگی مطالب به هم پیوسته، به وضوح قابل مشاهده است. در این سوره‌ها مکرر آمده است که از خدا و پیامبرش اطاعت کنید.

در این مرحله، آیات دوازده سطری به منظور بیان پاره‌ای از دستورات فقهی که در گذشته در قالب کوتاه و یکنواخت و با جمله‌های مسجع بیان شده بود، دیده می‌شود، آیات این دوره از وحی در مواردی سرشار از تهدید به رنج و عذاب است. به‌طور کلی آیات مدنی هم به لحاظ سبک و هم از حیث موضوعات مطرح شده، نشان‌دهنده ارتباط دائمی و هماهنگی کامل قرآن با نیازهای واقعی مردم آن‌سامان است که در گذشته وجود نداشته است. در سوره‌های مدنی برای سازمان قبیله‌ای از طریق سلسله مراتب اجتماعی، نظامی نوین طرح گردید و تساوی زن و مرد دگرگون شد و برای امور اخلاقی و پاره‌ای

از وظایف اجتماعی ضوابطی مقرر گردید.^۱

محمد ﷺ قرار گرفتند».

در واقع، وحی به لحاظ خطاب، سه مرحله داشته است:

یک - خطاب به پیامبر ﷺ به صورت نهانی:
﴿أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ﴾ (علق / ۱).

دو - خطاب به پیامبر و خویشان نزدیکش:
﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ (شعرا / ۲۱۴).

سه - خطاب به همه جهانیان: «یا ایها الناس». اما برخی از خاورشناسان ترجیح می‌دهند که جهانی بودن قرآن را کمرنگ ساخته، بگویند رسالت محمد ﷺ برای بادیه‌نشینان بوده است؛ زیرا پیامها و مطالب آن فقط متناسب با ساکنان صحرا بوده است. بلاشر نیز بر همین اساس، عبارت «یا ایها الناس» را به معنای خطاب به جهان بدویان دانسته است.

با اندک تأملی در پژوهش بلاشر می‌توان دریافت که نتایج کار او با مسلمات فراوانی در تضاد است. به ویژه اینکه از جهت موضوع و محتوا می‌بینیم که بلاشر سوره‌هایی را که از قیامت و پدیده‌های هستی در آن زمان بحث می‌کنند در مرحله نخست از دوران وحی جای داده است، در حالی که موضوعات متعدد

تقد و بررسی

بلاشر نیز همچون ویل و نولدکه، سوره‌های قرآن را به ترتیب زمانی درآورده است، ولی بنا به اعتراف خودش این تاریخ‌گذاری خالی از اشتباه و بیراهه‌روی نیست.^۲

انگیزه او از ارائه ترجمه قرآن بر اساس ترتیب مزبور این بوده که وی اعتقاد داشت تنها از طریق بررسی قرآن می‌توان مراحل پیشرفت و گسترش آیین اسلام را دنبال نمود، در حالی که سیره پیامبر و اخبار صحابه نمی‌توانند به تنهایی به تشریح و تبیین موضوعی پردازند که قرآن از آن ساکت است.^۳

ولی نظر صائب این است که با توجه به آن همه دقت و کنجکاوای عالمان مسلمان درباره هر مطلبی که به تشخیص آیات و سور مکی و مدنی قرآن مربوط می‌شود، هرگز تردیدی نداریم در اینکه اعتماد به روایات صحیح و معتبر اسلامی بهترین راه مطمئن برای رسیدن به دقیق‌ترین و مناسب‌ترین ترتیب زمانی نزول آیات قرآن است.^۴

یکی از مهم‌ترین اشتباهات وی در مورد تعبیر «یا ایها الناس» این است که می‌گوید: «کاربرد این تعبیر در مرحله سوم از دوران وحی به خاطر این است که مخاطب قرآن در آن مرحله، دیگر تنها مردم مکه نبودند، بلکه علاوه بر مدینه، بسیاری از قبایل اطراف نیز مورد خطاب

۱ - رژی بلاشر، درآمدی بر قرآن، ترجمه مبشری، ص ۵۵ به بعد.

2 - Blacher, p. 254.

3- Ibid, p. 253.

۴ - صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، ص ۱۷۷-۱۷۸.

دیگری در همان دوران در قالب آیاتی مطرح شده‌اند که تکرار آن مباحث در همان مرحله کمتر از آیات مربوط به رستاخیز نیست، ولی او هیچ ذکری از آنها به میان نیاورده است؛ مانند خلقت انسان، جریان تعلیم با قلم، امور اخلاقی مطرح شده در سوره قلم و سوره مدثر و نیز مباحث عقیدتی و... که بلاشر آنها را در تعیین معیارهای خویش نادیده گرفته است. و آن‌گونه که او سوره‌های مکی را به سه دوره تفکیک نموده، هیچ مبنای منطقی و تاریخی معتبر ندارد.^۱

پژوهش رود ول

رود ول (Rod well) کشیش و دانشمند انگلیسی از خاورشناسان و قرآن‌پژوهان قرن نوزدهم میلادی بوده است. یکی از خدمات او ترجمه قرآن به زبان انگلیسی است که تاکنون هفت بار تجدید چاپ شده است.^۲ وی همه سوره‌های قرآن را به زعم خود بر اساس ترتیب زمانی نزولشان تنظیم نمود که در این نوع پژوهش خود از شیوه و عملکرد نولدکه پیروی کرده است، ولی در مورد ترتیب سوره‌های مربوط به طبقه اول دوران وحی مکی، از نظرات و اجتهادات شخصی خویش بهره گرفته است. (بلاشر، ۲۴۹-۲۵۰). رود ول در تنظیم دیدگاه خود در ترتیب آیات و سوره‌های قرآن سخنان در خور نقدی دارد و سخن خود را از اینجا آغاز نموده که چون آیات نازل شده در ابتدای دوران وحی کوتاه بوده‌اند، لذا باید آنها را در جایگاه

مناسبی از سوره‌های مختلف جای داد؛ مثلاً در مورد سوره «ملک» چنین گفته است:

«آیات هشتم تا یازدهم متأخر از سایر آیات نازل شده‌اند، لکن بعدها در آنجا قرار گرفته‌اند؛ زیرا هر یک از آن آیات نسبت به بسیاری از آیات دیگر این سوره طولانی‌ترند»^۳.

او همچنین ادعا کرده است که «آیات (۲۴-۶۰) سوره ذاریات در جایگاه اصلی خود قرار نگرفته‌اند، بلکه در جریان جمع‌آوری و تدوین قرآن در زمان عثمان به آنجا منتقل شده‌اند به انگیزه اینکه قرآن تعدیل مناسبی پیدا کند»^۴.

نقد و بررسی

تردیدی نیست که به محض نگاه کردن به خود مصحف عربی - که بی‌نیاز از ترجمه و تنظیم رودول است - آیات «۸-۱۱» سوره ملک را می‌یابیم که به ترتیب دارای این تعداد کلمه هستند (۱۳-۹-۱۲-۵)، در حالی که تعداد کلمات سایر آیات به کار رفته در این سوره مابین «۸-۱۸» کلمه می‌باشد. و مهم‌تر اینکه آیات «۸-۱۱» این سوره که رود ول مدعی شده که بعدها به آن قسمت پیوسته‌اند به لحاظ مفاد و

۱ - فضل حسن عباس، اتقان البرهان فی علوم القرآن،

ج ۱، ص ۴۲۲-۴۲۱.

۲ - عبداللهی خورش، فرهنگ اسلام‌شناسان خارجی،

ص ۵۵ و ۱۲۲.

3- Rod well, p. 23f.

4- Ibid.

موضوع، ارتباط و پیوند کاملی با آیات قبل و بعد خود دارند. نادرست بودن ادعای او نسبت به آیات سوره ذاریات نیز روشن است، چرا که با تأمل در مفاهیم و مطالب این سوره و محتوای آیات متوجه می‌شویم که آیات «۲۴-۶۰» به صورت منطقی و طبیعی، مکمل موضوعی هستند که در آیات اول تا بیست و سوم این سوره مورد بحث قرار گرفته است، زیرا سوره از آیه «۱-۴» با سوگند آغاز می‌شود، سپس در آیات «۵-۶» نسبت به عالم آخرت هشدارهایی می‌دهد و در آیات «۷-۱۲» کسانی که زندگی دنیا و زینت آن را ترجیح داده و آخرت را نادیده انگاشته‌اند مورد انتقاد قرار می‌گیرند، سپس در آیات «۱۳-۱۹» پاداش مؤمنان و عواقب کافران توصیف می‌شود، آن‌گاه در آیات «۲۰-۲۳» نشانه‌های پروردگار عالم هستی تشریح می‌گردد. و در آیات «۲۴-۵۳» آیات الهی در تاریخ تبیین می‌شود و اینکه چگونه امت کافری که پیامبر خویش را به سحر و جنون متهم ساختند، هلاک گردیدند، و در آیات «۵۴-۶۰» تهدید انکارکنندگان رسالت انبیای الهی مطرح می‌شود.^۱

نتیجه‌گیری

در طبقه‌بندی چهار مرحله‌ای سوره‌ها، پژوهش چهار تن از خاورشناسان معروف را گزارش و نقد و بررسی کردیم. یکی از اشتباهات مشترک همه آنها این است که می‌گویند وحی

مکی با وحی مدنی در اسلوب تفاوت دارند، بدین معنی که اسلوب سوره‌های مکی، شدت و خشم و وعد و وعید و تهدید و ارباب است، در حالی که سوره‌های مدنی دارای ویژگیهایی از قبیل نرمش و عفو و مهربانی است. واقعیت آن است که قرآن کریم در هر دو قسم مکی و مدنی شامل شدت و نرمی است. لذا در وحی مدنی نیز ما شاهد ویژگی سختی و شدت هستیم؛ مانند آیات ۱۰، ۱۱ و ۱۲ سوره آل عمران: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ...﴾ و آیات ۱۶۷، ۱۶۸ و ۱۶۹ سوره نساء: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ... إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا...﴾ و از سوی دیگر در وحی مکی نیز ویژگیهای نرمی و عفو به چشم می‌خورد؛ مانند آیه ۵۴ سوره انعام، ۴۶ سوره اعراف، ۶۲، ۶۳ و ۶۴ سوره یونس و... .

خاورشناسان بر آن باورند که با استناد به روایات کاری نمی‌توان کرد و تردید می‌کنند که بتوان با اعتماد به سیره نبوی و روایات معتبری که گزارشگر وقایع و حوادث جزئی و کلی عصر پیامبر ﷺ و دوران نزول قرآن هستند، آیات قرآن را مرتب گردانید.^۲

۱ - محمد خلیفه، الاستشراق و القرآن العظیم، ص

۱۰۹-۱۰۷.

۲ - عنایة غازی، شبهات حول القرآن و تفنیدها،

ص ۷۹-۷۷.

آنان در مواردی هم که به سنت و روایات توجّهی دارند از روایات به درستی بهره نمی‌برند، در بسیاری از موارد نیز احتمالات و فرضیات ذهنی و تخیلی محض را در مقام تاریخ‌گذاری آیات و سوره‌ها همچون حقائق مسلّم می‌پندارند. لذا در مقام عمل، دستاورهای آنها نه تنها با روایات اسلامی و تحقیقات پژوهشگران مسلمان سازگار نبوده، بلکه اساساً بین پژوهشهای خود خاورشناسان و نتایج به دست آمده از تلاش آنان نیز چندان وحدت و انسجامی مشاهده نمی‌شود و این خود حکایت از آن دارد که شیوه و ملاک و مبانی پژوهش آنان نادرست و عقیم می‌باشد.

منابع و مأخذ

- ۱- بدوی، عبدالرحمان، فرهنگ کامل خاورشناسان، ترجمه خاکزند، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ش.
- ۲- همو، موسوعة المستشرقین، چاپ دوم: بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۹م.
- ۳- بلاشر، رژی، در آستانه قرآن، ترجمه محمود رامیار، چاپ چهارم: تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ش.
- ۴- همو، درآمدی بر قرآن، ترجمه اسدالله مبشری، تهران، نشر ارغنون، ۱۳۷۲ش.
- ۵- حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، چاپ ششم: تهران، چاپخانه اسلامی، ۱۳۶۷ش.

- ۶- حسن عباس، فضل، إقتان البرهان فی علوم القرآن، اردن، دارالفرقان، ۱۹۹۷م.
 - ۷- خلیفه، محمد، الاستشراق و القرآن العظیم، قاهره، دار الاعتصام، ۱۴۱۴ق.
 - ۸- زرقانی، محمد عبد العظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، چاپ ششم: قاهره، دار احیاء الکتب العربیة، بی‌تا.
 - ۹- زنجانی، ابو عبدالله، تاریخ القرآن، تهران، منظمه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
 - ۱۰- سیوطی، عبدالرحمان، الاقتان فی علوم القرآن، چاپ دوازدهم: بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق.
 - ۱۱- صحیحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، چاپ هفدهم: بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق.
 - ۱۲- طبرسی، ابوعلی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات دفتر آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ق.
 - ۱۳- عبداللهی خوروش، حسین، فرهنگ اسلام‌شناسان خارجی.
 - ۱۴- غازی، عنایة، شبهات حول القرآن و تفنیدها، بیروت، دار و مکتبة الهلال، ۱۹۹۶م.
 - ۱۵- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (علیهم‌السلام)، ۱۳۴۸ش.
 - ۱۶- معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، چاپ دوم: قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ق.
 - ۱۷- نکونام، جعفر، درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، تهران، نشر هستی‌نما، ۱۳۸۰ش.
- ۱۸- Noldke; *The Koran, The Origins of the Koran*, Edited by Ibn Warraq, 1998.
- ۱۹- Montogemery Watt; *Quran; Encyclopaedia of Islam*.